



خاطرات ناب

شلمچه

پهلوی با خال سیاه

هنگام تحویل سال ۱۳۶۶ تحوّل عمیق و نیکو در حال شهید علی اصغر خلیلی ایجاد شده و ایشان حلال و هوای عجیبی پیدا کرده بود. صحبت علی اصغر همه از جبهه‌های جنگ، شهادت، ایثار گری و فداکاری بود. علی اصغر تلاش می کرد بیشتر اوقاتش را در پایگاه مقاومت مسجد حسینی واقع در «بی‌سیم» به سر ببرد. هر روز، شور و اشتیاق حضور در جبهه در ایشان فرونی می یافت. خیلی به برادرش (مرحوم محمد) و خانواده‌اش اصرار و ایفشاری می کرد که به او اجازه و اذن حضور در جبهه‌ها را بدهند. بالاخره توانست رضایت خانواده را جلب کند.

در پایگاه امام حسن(ع) ثبت‌نام کرده و تاریخ اعزامش پنج‌مهر فروردین ماه آن سال اعلام شد. شب اعزام به منزل برادر محمد رفتیم. من و برادر علی اصغر بعد از صرف شام با هم در مورد جبهه، جنگ و شهادت صحبت کردیم.

آن شب برای من رؤیایی و به یادماندنی بود. علی اصغر از من خواست صبح زود او را برای غسل شهادت بیدار کنم. لرزهای باریدن افتاد. چشم‌مان ناخودآگاه پر از اشک شد. نمی دانستم چه بگویم.

گفتم: «چشم!» پس از آن، به فکر خوابی که چند شب قبل دیده بودم، افتادم و تا خود خلوتی کرده خواب را چند بار مرور کردم. «علی اصغر... شهید بی‌سر» این صحنه برام چند بار تکرار شد: «علی اصغر... شهید بی‌سر... شهید علی اصغر...»

اصغر به خواب رفت. من تا صبح به علی اصغر فکر می کردم و با خودم کلنجار می رفتم و خوابم نبرد. صحنه‌های عاشورا برام زنده شده بود. زینب(س)، حسین(ع)، عون، جعفر، عباس علمدار کربلا و... در همین حال بودم. فکر می کردم که به نامم برادرم محمد و همسرش از سفر برگشته بودند. دل آرام تر شد.

محمد مستقیماً سراغ علی اصغر رفت، به چه‌راه علی اصغر نگاه کرد و او برکت علی اصغر را استنباط می کرد و دست پادگان رفت. علی اصغر با سرودهای رنگ از خواب بیدار شد. چندین مرتبه به بالینش رفتم ولی دلم نیامد بیدارش کنم. در حال شُک و تردید، ناخودآگاه به مستحرف رقص و سفارش شب را یادآوری کردم: «غسل شهادت، غسل شهادت...»

برادرم یکمرتبه از جا بلند شد. نماز صبح را خواند و استحمام کرد. باده است که ایشان قبل از استحمام، لباس‌های خود را در اتاق بیرون آورد. در آن هنگام توجه من به پهلوی علی اصغر و خال سیاه او جلب شد. علی اصغر صیقلش را از خورد.

لحظه خداحافظی از راه رسید. زیاد مهدیگر را نگاه کردم. می خواستم خوابم را باز گو کنم، ولی اصلاً دلم نیامد. ایشان هم انگار می خواست حرف‌هایی بزند که نزدی. می‌مقدمه انگشت‌های خود را نگاه کرده و انگشتش را تعویض کردیم.

ایشان انگشتش را به دست خود کرد و آن را بویید و من فقط نگاه می کردم و به یاد خوابی که دیده بودم، می افتادم. آن را مرور می کردم و تا سر کویچه علی اصغرم را بدرقه کردم. دود اسپندی، آب پشت پایسی و... تا انتهای کویچه، چندمرتبه برگشت و پشت سرش را نگاه کرد. هر نگاه علی اصغر قلبم مصیبت‌های حضرت زینب(س) تسلی می داد.

به این فکر بودم هنگامی که حضرت زینب(س) برادرش را بدرقه می کرد، چه حالی داشت. سرانجام بعد از ۱۵ روز که از اعزام ایشان گذشته بود خبر شهادتش را آوردند. باور نمی کردم که جنازه علی اصغر باشد. آخر نه نشانی، نه سری، نه صورتی با خود می گفتم این علی اصغر نیست، او را اشتباهی آوردند. ناگهان رفتم به پهلوی علی اصغر نگاه کردم...

خال سیاه و... دیگر نفهمیدم چه شده است... محل شهادت شلمچه
راوی خواهر شهید علی اصغر خلیلی
۱۳۶۶/۱/۲۰

احمد محمد تبریزی

هر چقدر جنگ به سال‌های پایانی نزدیک می‌شد کارهای ناپیچر دانسته و دیوانه‌وار صدام هم بیشتر می‌شد. او پس از موفقیت زرمندگان در عملیات والفجر ۱۰ و استقبال سردم حلبچه از نیروهای ایرانی، در ۲۵ اسفند ۶۶ بمباران گسترده شیمیایی را علیه مردم بی‌دفاع غیرنظامی انجام داد. یک روز پس از این واقعه هواپیماهای ارتش بعث عراق شهر نودشه در استان کرمانشاه را نیز مورد حمله شیمیایی قرار دادند که افراد غیرنظامی زیادی را دچار آسیب کرد. «احمد مبارک شاهی» امام جمعه شهر نودشه در گفت‌وگو با «جوان» از ۲۶ اسفند سال ۶۶ و مظلومیت مردم و شهر نودشه می‌گوید.



۲۶ اسفند سال ۱۳۶۶ هواپیماهای ارتش بعث شهر نودشه را بمباران شیمیایی کردند. توضیح می‌دهید چه اتفاقی در آن روز برای شهر نودشه و مردمش افتاد؟

ساعت ۱۵ روز ۲۶ اسفند ۶۶ هواپیما عراقی وارد خاک ایران شدند و همان لحظه شهر نودشه را بمباران کردند. هواپیماهای عراقی سه بامب روی شهر انداختند و آن لحظه مردم نمی‌دانستند این بمب‌ها شیمیایی هستند. بمب‌ها در محله بهداری، محله‌ای به نام منزل افلاخی و پایین شهر اصابت کرد. به دلیل شرایط جنگی مردم روزها از شهر خارج می‌شدند و شب‌ها به خانه‌هایشان برمی‌گشتند. آن زمان هم عملیات والفجر ۱۰ در حال انجام بود و اتفاقات شهر حلبچه پیش آمده بود. یک روز قبل از بمباران شیمیایی نودشه، ارتش بعث شهر حلبچه را مورد بمباران و توجیه شیمیایی قرار داد.

چرا یعنی‌ها شهر نودشه را برای حمله شیمیایی انتخاب کردند؟

نودشه در سه کیلومتری مرز عراق واقع شده و در نزدیکی حلبچه قرار داد و از شهرهای پر جمعیت مرزی است. حلبچه پرجمعیت‌ترین شهر عراق بود و از ارتفاعات نودشه، حلبچه نمایان است و هوایی کمتر از ۱۵ کیلومتر با هم فاصله داریم. زمان جنگ تمام شهرها و روستاهای اطراف نودشه خالی از سکنه شدند ولی نودشه با ۵ هزار نفر جمعیت پشت مرزها و جبهه ماند. زنان در نودشه نان می‌پختند و مردان نان‌ها را به کولشان می‌گرفتند و به جبهه‌ها می‌بردند. دو کیلومتر با جبهه فاصله داشتیم. عراقی‌ها از این موضوع ترس داشتند و می‌خواستند به نوعی شهر را خالی از سکنه کنند. چون شهر در مسیر گلوله‌باران دشمن بود مردم روزها از شهر خارج می‌شدند و در اطراف نودشه در پناهگاه‌هایی که وجود داشت می‌رفتند و شب‌ها دوباره به خانه‌هایشان بازمی‌گشتند. در طول جنگ حدود ۲ هزار بار نودشه گلوله‌باران شد و ۲۶ بار با هواپیما شهر زده شد که سه بار آن شیمیایی بود. دو حمله شیمیایی دیگر در یکم و سیزدهم فروردین ۶۷ اتفاق افتاد

امام جمعه نودشه از بمباران شیمیایی شهر در ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ می‌گوید

شهری که ۳ بار بمباران شیمیایی شد



مظلوم واقع شدند و چرا آنطور که باید و شاید به آنان رسیدگی نمی‌شود؟

آن روز تمام پرونده‌هایی که در شهر وجود داشت را مردم گرفتند. گفتند که همه شیمیایی است و باید از بین ببرند. متأسفانه یکی از عواملی که باعث شد مردم به حشمتان نرسند همین مورد است و گروهی که برای پاکسازی آمده بودند تمام مدارک پزشکی و حتی پرونده‌های آموزش و پرورش و کلاتری را از بین بردند. اگر الان از سال ۶۶ پرونده‌های بخوابید یک پرونده هم وجود ندارد. می‌گفتند چون گاز خردل بوده و عوارض شیمیایی‌اش خطرناک است باید هر چیزی که آلوده است را از بین برد.

بمباران شیمیایی را سازمان ملل تأیید کرده است و این فرصت خوبی است تا از طریق بین‌المللی جنایت استیکبار علیه مردم نودشه را به همگان معرفی کرد؟

ما خبرنگاران خارجی که ماسک زده به شهر آمده بودند را دیدیم و اگر از هر کسی که آن زمان بوده پرسید آن روزها را به خاطر دارد. دو یا سه سال پیش گروهی از ژاپن برای کمک‌های دارویی و درمانی آمدند و نزد مصدومان رفتند. ژاپنی‌ها فیلیم تأثیر گذاری که درست کردند که در تلوین‌پوشان بخش شد. ما به تنهایی نمی‌توانیم همه کارها را انجام دهیم و باید از کارگان‌ها و سازمان‌های دیگر به کمکمان بگیریم. ما تا زمانی از وزارت خارجه خواستیم که اسفند ۶۷ گروهی از سازمان ملل آمدند و گزارش گرفتند و ما از مایشات زیادی روی کارهای شیمیایی انجام دادند و تأیید کردند که شهر به گاز خردل آلوده شده است.

در این چندساله اخیر هم چند نفر از مصدومان شیمیایی به شهادت رسیدند. به مرور زمان آمار شهیدای شیمیایی نودشه بیشتر می‌شود و همین‌ان افرادی که مشکلات نفسی دارند با سختی زندگی می‌کنند. چند سالی است در ۲۶ اسفند نامه‌هایی برای معرفی بمباران شیمیایی و اتفاقاتی که افتاده بر گزار می‌کنیم. اصلش هم فراتر است. ۲۶ اسفند همواره مسئولان و بزرگان منطقه همایشی داشته باشیم. در حق مردم نودشه ظلم شده است و ما انتظار داریم به خاطر مشکلات شیمیایی و شهدایان و شهیدان شهر نودشه

ولی حمله اول بیشتر نباشد و مصدوم را بر جای گذاشت. نودشه شهری بلکاتی است و ارتفاع بلندی دارد. مردم برای در امان ماندن از اثرات گازهای شیمیایی می‌گفتند که باید به سمت بالا رفت ولی هواپیماها دقیقاً قسمت بالایی شهر را مورد اصابت قرار دادند تا مردم نتوانند به طرف بالا بروند و بیشترین آسیب را ببینند. شب بمباران غیر از مرکز بهدشتی، شهر نودشه خالی از سکنه شد. آن زمان پزشکی برای ملوای محروجان داشتیم که او هم به دلیل تماس با جانباختن شیمیایی به شهادت رسید. چند پرستار هم بودند که آنها هم مصدوم شیمیایی شدند. تمام افرادی که با بمباران ارتباط داشتند آلوده به گاز خردل شدند.

در روز حمله چند نفر به شهادت رسیدند؟

همان روز هفت نفر شهید شدند. آن زمان وقتی جایی بمباران می‌شد مردم برای درآوردن وسایل زندگی‌شان از زیر آوار به محل بمباران می‌رفتند. این بار مردم نمی‌دانستند بمباران شیمیایی بوده و روز بعد هفت نفر بمباران شیمیایی نودشه را دیدیم. آن زمان هم عملیات والفجر ۱۰ در حال انجام بود و اتفاقات شهر حلبچه پیش آمده بود. یک روز قبل از بمباران شیمیایی نودشه، ارتش بعث شهر حلبچه را مورد بمباران و توجیه شیمیایی قرار داد.

چرا یعنی‌ها شهر نودشه را برای حمله شیمیایی انتخاب کردند؟

نودشه در سه کیلومتری مرز عراق واقع شده و در نزدیکی حلبچه قرار داد و از شهرهای پر جمعیت مرزی است. حلبچه پرجمعیت‌ترین شهر عراق بود و از ارتفاعات نودشه، حلبچه نمایان است و هوایی کمتر از ۱۵ کیلومتر با هم فاصله داریم. زمان جنگ تمام شهرها و روستاهای اطراف نودشه خالی از سکنه شدند ولی نودشه با ۵ هزار نفر جمعیت پشت مرزها و جبهه ماند. زنان در نودشه نان می‌پختند و مردان نان‌ها را به کولشان می‌گرفتند و به جبهه‌ها می‌بردند. دو کیلومتر با جبهه فاصله داشتیم. عراقی‌ها از این موضوع ترس داشتند و می‌خواستند به نوعی شهر را خالی از سکنه کنند. چون شهر در مسیر گلوله‌باران دشمن بود مردم روزها از شهر خارج می‌شدند و در اطراف نودشه در پناهگاه‌هایی که وجود داشت می‌رفتند و شب‌ها دوباره به خانه‌هایشان بازمی‌گشتند. در طول جنگ حدود ۲ هزار بار نودشه گلوله‌باران شد و ۲۶ بار با هواپیما شهر زده شد که سه بار آن شیمیایی بود. دو حمله شیمیایی دیگر در یکم و سیزدهم فروردین ۶۷ اتفاق افتاد

گفت‌وگو

گفت‌وگو با «جوان» با مه‌مدن مطهر ابوالحسنی

مسئول سازمان بسیج سازندگی سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) استان تهران

اعزام ۳۰ گروه جهادی در نوروز ۹۴

استان تهران نسبت به سایر استان‌هاست. در همین راستا «شورای اندیشه‌ورزی جهادی استان تهران» با هدف بالا بردن باذهی حرکت‌های جهادی استان تهران و استفاده از تمام ظرفیت‌های گروه‌های جهادی تشکیل و برکات حاصل از آن به یاری خداوند منان در فعالیت‌های نوروزی جهادگران استان تهران بیدار خواهد شد. از نگاه آمار نیز سازمان بسیج سازندگی استان تهران در سال ۱۳۹۳ بیش از ۴ هزار نفر را در قالب اردوهای جهادی دانشجویی، دانش‌آموزی، طلاب و محلات به مناطق محروم استان و سایر نقاط کشور اعزام کرده است.

بسیج سازندگی سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) استان تهران در نوروز ۱۳۹۴ چه پسر نامه‌هایی را در دستور کار دارد؟

در ایام نوروز سال ۱۳۹۴ بیش از ۳۰



مبنا شاتلو
بسیج سازندگی استان تهران علاوه بر مأموریت‌ها و وظایفی که در سطح استان بر عهده دارد، از آنجایی که توانمندی قابل توجهی از جهادگران و گروه‌های جهادی دارد، سهم بزرگی از محرومیت‌زدایی و خدمت‌رسانی را هم در مناطق محروم و کم بر خوردار کشور بر عهده گرفته است. مطهر ابوالحسنی که از مرداد سال ۱۳۹۳ مسئولیت سازمان بسیج سازندگی استان تهران را بر عهده گرفته، در خصوص بخش‌هایی از اقدامات بسیج سازندگی سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) استان تهران در سال ۱۳۹۳ با ما مکالمه کرد. او از فعالیت‌های بسیج سازندگی در ایام می‌گوید:

آقای ابوالحسنی با توجه به تأکید رهبری در ابتدای سال به عزم ملی و مدیریت جهادی، بسیج سازندگی سپاه سیدالشهدا(ع) چه اقداماتی را در پیشبرد منویات رهبری اجرایی کرده است؟

بسیج سازندگی استان تهران همزمان با تعیین نام سال، توسط حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با وجود نیروهای جوان و مصممی که در این سازمان حضور داشتند، بیش از پیش با تکیه بر روحیه جهادی و بسیجی جهادگران خود نسبت به تحقق اوامر رهبر معظم انقلاب اهتمام ورزیدند.

در سال ۱۳۹۳ همچون سال‌های اخیر تأکید ویژه به دو حوزه «اقتصاد مقاومتی» و «محرومیت‌زدایی» در دستور کار بسیج سازندگی قرار گرفت تا در کنار سایر وظایف و برنامه‌های متنوع و گسترده جهادگران بسیج سازندگی استان تهران این مأموریت‌ها و وظایف را در سایه روحیه جهادی خود و با تمام مشکلات موجود به خوبی انجام داده‌اند.

در سال جاری بسیج سازندگی استان تهران در احداث و بازسازی بیش از ۱۸۰ پروژه‌ی عام‌المنفعه و زودبازده از جمله عمران مساجد، خانه‌ها عالم، کتابخانه‌ها، اماکن ورزشی، غسالخانه، آبرسانی، خانه محرومان و... مشارکت داشته‌اند که به‌رغم فعالیت‌های صورت گرفته هنوز در سطح استان تهران مشکلات فراوانی از جمله کمبود شدید مساجد و عدم بر خوراری تعدادی از روستاها از امکاناتی مانند آب شرب، اماکن ورزشی و... مشاهده می‌شود.

از اعزام گروه‌های جهادی به مناطق محروم بگوئید.

در حقیقت، گروه‌های جهادی سفیرانی هستند که با هجرت از پایتخت کشور و دور شدن از رفاه و آسایش و اقامت چند روزه در مناطقی که شاید تاکنون پای هیچ مسئولی به آنجا نرسیده باشد، صدای مردم محروم و مشکلاتشان را به گوش مسئولان امر می‌رسانند. از این رو رسالت اصلی ما در گروه‌های جهادی استان تهران پس از بازگشت از مناطق محروم مطالعه‌گری است و مستولان و مقامات کشور است و همین نکته وجه تمایز و نشان‌دهنده سنگینی بار مسئولیت جهادگران بسیج سازندگی

گروه جهادی به استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان، هرمزگان، استان کهگیلویه و بویراحمد و کرمان اعزام خواهند شد. گروه‌های جهادی علاوه بر ایفای نقش در حوزه‌های نظری عمرانی و فرهنگی به طور جدی وارد خدمت‌رسانی در عرصه‌های اقتصاد مقاومتی نیز خواهند شد. به طور مثال در آغاز سال جدید و در ایام فاطمیه شاهد عملیات اجرایی احداث بانی به مساحت ۲۰۰ هکتار به نام «فدک»

در مناطق محروم شهرستان دلفان استان لرستان به همت گروه‌های جهادی خواهیم بود. تکمیل پروژه‌های بازسازی و فروش محصولات تولیدی مردم مناطق محروم با توجه به بازار مصرف، یکی دیگر از اقدامات گروه‌های جهادی است که به طور جدی نیازمندان و مشارکت داشته‌اند که به‌رغم فعالیت‌های صورت گرفته هنوز در سطح استان تهران مشکلات فراوانی از جمله کمبود شدید مساجد و عدم بر خوراری تعدادی از روستاها از امکاناتی مانند آب شرب، اماکن ورزشی و... مشاهده می‌شود.

از اعزام گروه‌های جهادی به مناطق محروم بگوئید.

در حقیقت، گروه‌های جهادی سفیرانی هستند که با هجرت از پایتخت کشور و دور شدن از رفاه و آسایش و اقامت چند روزه در مناطقی که شاید تاکنون پای هیچ مسئولی به آنجا نرسیده باشد، صدای مردم محروم و مشکلاتشان را به گوش مسئولان امر می‌رسانند. از این رو رسالت اصلی ما در گروه‌های جهادی استان تهران پس از بازگشت از مناطق محروم مطالعه‌گری است و مستولان و مقامات کشور است و همین نکته وجه تمایز و نشان‌دهنده سنگینی بار مسئولیت جهادگران بسیج سازندگی

جدول

۶	۳		
	۵	۶	۹
		۲	۴
	۷		۸
	۱	۹	۴
		۶	۹
	۹		۱
	۴		۲
	۶	۱	۴
		۷	۵

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌سه‌سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۴۴۹۰

۱	۷	۸	۸	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۷	۱	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱
۸	۸	۷	۷	۷	۱	۷	۱	۷	۱

طراح:علیرضا سجادی‌فر | شماره ۴۴۹۱

از راست به چپ

- ۱- مدرسه عشق - رهبر مقتول مسلمانان سپاه پوست آمریکا در دهه شصت میلادی
- ۲- پول پرو - پاک و منز - پول استرالیا
- ۳- دریا - شجاع - بزرگ زمان پیامبر - خاک - پول واحد اروپایی
- ۴- بوشاک ستور - پول روسیه - نوعی ساختمان برای کارگاه یا انبار - صابون خیاطی
- ۵- بشقاب بزرگ - نقدش بهتر از حلواي نسیه است - شرط دوستی
- ۶- راهب و مشتاق - مملکت - تعظیم کردن کلمه‌ای در معنای خاص - از شاخه‌های علم اقتصاد - نوعی پارچه
- ۷- ارسباران قدیم - پزشکی - جانور کندرو آبی و خاکی
- ۸- جفت ماده - مسگر - از غزوات پیامبر اعظم - یادگانی در تهران
- ۹- روبهرو شدن؛ رویرویی - مساوی - اجداد
- ۱۰- پهلوان افسانه‌ای آذری‌ها - از ماه‌های رومی - سیاه‌رنگ
- ۱۱- جامه پشمی و خشن قلندران - کارها - داد و فریاد مردم
- ۱۲- گل خوشبو - لورزش و جنبش - سوگ و عزا
- ۱۳- صدمتر مربع - به معنی خوش‌اندام هم است - شاعر حماسه‌سرای همعصر فردوسی - حرف همراهی عرب
- ۱۴- کمان چهره - علم ذاتی - زر خالص
- ۱۵- کنایه از قول دادن کاری انجام نشدنی - اسب که زر در پرنگ یا خانی یا قهوه‌ای روشن باشد

از بالا به پایین

- ۱- از آثار باستانی شهر بسطام - از آلات موسیقی
- ۲- پول پرو - پاک و منز - پول استرالیا
- ۳- دریا - شجاع - به یکدیگر ساییده شده - اسم آذری
- ۴- پیشگاه خانه - آمانس و درد شدیدی که در پا و انگشتان به‌خصوص شست یا بروز می‌کند - وام بلاعوض
- ۵- ورق‌زدن کتاب یا دفتر - سنیرز - مهاجم تیم ملی اسپانیا در یورو ۲۰۱۲
- ۶- تربیت کننده - از غذاهای ایرانی - هنر پیشه مرد
- ۷- شتر - از مر تجمین - همداستان آبسال
- ۸- ورق کاغذ - یاخته - شتر تندرو - طایفه کم‌حرف
- ۹- اجرام آسمانی - پول خرد دانمارک - ایوب‌البحر
- ۱۰- از آلات موسیقی که با آرشه نواخته می‌شود - از اقیانوس‌ها - دندان‌ساز
- ۱۱- سرور و رئیس - از ماهی‌های خوری - صدمتر مربع
- ۱۲- وسیله درگردگی - اشک چشم - فناوری اطلاعات
- ۱۳- از اقامت مشتری - خودروی کوچک باربری - نان‌خورش - فرمانده بدن
- ۱۴- باز پرس قدیم - محل بر خورد دو توده هوای متفاوت - نویسنده آلمانی یوسف و برادرانش
- ۱۵- نام دیگر کشور جای - عمل برخاستن و نشست